

تحلیل راهبرد مهار آمریکا در قبال ج.ا.ایران با تأکید بر دوره بایدن

رئوف رحیمی *

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه بجنورد، خراسان شمالی، بجنورد، ایران. رایانامه: r.rahimi@ub.ac.ir

چکیده

اجرای راهبرد مهار از سوی حکومت‌های آمریکا در برابر ج.ا.ایران تاکنون، پرسش‌های زیادی را برانگیخته است. این مقاله با روش پژوهش توصیفی - تبیینی تلاش دارد در چارچوب رویکرد بازاها و واقع‌گرایان راهبرد مهار آمریکا را در حکومت‌های مختلف آمریکا به‌طور خلاصه بررسی کند و سرانجام به این دو پرسش زیر پاسخ دهد: ۱. رویکرد بایدن در برابر ایران چیست؟ ۲. آیا با احیای برجام در دوره او نیز عناصر مهار آمریکا تداوم پیدا می‌کند یا خیر؟ در فرضیه پژوهشی استدلال می‌شود که از دید دولت بایدن رویکرد گفت‌وگو و مذاکره بهترین شیوه برخورد با ایران برای احیای برجام است، زیرا افزایش تنش و دشمنی به اتحاد رقبای آمریکا علیه آن به‌ویژه در خاورمیانه منجر خواهد شد. اگرچه هدف دولت بایدن از احیای برجام مهار برنامه هسته‌ای ایران، جلوگیری از برهم خوردن توازن منطقه‌ای و بین‌المللی به زیان خود و هم‌پیمانانش است، ولی واکنشگتن افزایش همکاری راهبردی نزدیک ملت ایران، چین و روسیه را نیز تهدیدی برای آمریکا به‌شمار می‌آورد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که حتی در صورت احیای برجام، هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که ایران اقدام به تغییر در رفتار سیاست خارجی منطقه‌ای و توسعه توانایی موشکی‌اش کند؛ بنابراین راهبرد مهار ایران از سوی آمریکا ادامه خواهد داشت.

واژه‌های کلیدی: راهبرد مهار، واقع‌گرایان، بازاها، تحریم، قدرت و نفوذ

* استناد: رحیمی، رئوف. (۱۴۰۳). «تحلیل راهبرد مهار آمریکا در قبال ج.ا.ایران با تأکید بر دوره بایدن» *فصلنامه سیاست*، ۵۴، ۲: ۲۳۳-۲۵۳. <DOI:10.22059/JPQ.2024.338979.1007927>
تاریخ دریافت: ۷ اردیبهشت ۱۴۰۱، تاریخ بازنگری: ۵ مرداد ۱۴۰۳، تاریخ تصویب: ۲۱ مرداد ۱۴۰۳، تاریخ انتشار: ۷ شهریور ۱۴۰۳.

۱. مقدمه

جرج کنان نظریه مهار را در اثر خود درباره سیاست آمریکا در برابر شوروی، معرفی کرد که مبتنی بر دو فرض بود: ۱. به دلایل ایدئولوژی و ژئواستراتژیک، آمریکا و شوروی دشمن بودند؛ ۲. آمریکا تلاش در از بین بردن رژیم کمونیستی با زور نداشت، زیرا هزینه جنگ در عصر هسته‌ای بالاست. از این رو مهار، راهبرد جایگزین برای جلوگیری از نفوذ سیاسی، تضعیف اقتصادی و جلوگیری از تجاوز نظامی شوروی بود. به دلیل موفقیت راهبرد مهار در برابر شوروی، آمریکا این راهبرد را برای چالشگران دیگری از جمله چین، کره شمالی، کوبا، لیبی، عراق، نیکاراگوئه، آنگولا، اتیوپی و افغانستان مورد توجه قرارداد. از این رو هر زمان که روابط عادی دیپلماتیک با یک کشور مانند ایران ناممکن باشد، راهبرد مهار به سیاست پیش‌فرض آمریکا تبدیل شده است. واشنگتن گاهی الگوی تهاجمی از مهار را دنبال کرده، مانند مورد عراق که در بین سال‌های ۱۹۹۱ و ۲۰۰۳ از الگوی تهاجمی استفاده شده است؛ گاهی هم الگوی انفعالی اتخاذ کرده است. به طور نمونه در خصوص افغانستان، در بین سال‌های ۱۹۸۹ و ۲۰۰۱ از الگوی انفعالی استفاده شده است. در خصوص ایران، استفاده آمریکا از راهبرد مهار از آغاز انقلاب تاکنون، به صورت نموداری سینوسی بوده و از مهار انفعالی تا تهاجمی در نوسان بوده است.

جدول ۱. حوزه‌ها و عناصر مهار

عناصر و شاخص‌های مهار	حوزه‌های مهار
تحریم ایران تا مانع قدرتمند شدن ایران به لحاظ اقتصادی و نظامی شوند.	اقتصادی
استقرار نظامی مانند استقرار نیروهای آمریکایی در امتداد خلیج فارس برای دفاع از متحدان آمریکایی. عملیات پنهانی برای حمایت از گروه‌های مختلف در داخل ایران که از نظر سیاسی و یا نظامی با نظام ایران مخالفت کرده‌اند.	سیاسی و امنیتی
تلاش دیپلماتیک برای منزوی کردن تهران و کمک طلبیدن از کشورهای دیگر تا هرچه بیشتر به آمریکا در مهار ایران ملحق شوند.	دیپلماسی
خطوط قرمز. به‌طور صریح یا ضمنی گفته می‌شود که اگر تهران از آنها عبور کند، با حمله نظامی آمریکا روبه‌رو می‌شود.	نظامی

منبع نگارنده

اجرای راهبرد مهار آمریکا در برابر ایران پرسش‌های مختلفی را برانگیخته است. از جمله اینکه ۱. آیا راهبرد مهار در برابر ایران موفق بوده است؟ ۲. دلایل اتخاذ راهبرد مهار در برابر ایران چیست؟ ۳. واکنش ایران در برابر راهبرد مذکور چه بوده است؟ ۴. کدام کشورها به آمریکا در اجرای این راهبرد کمک کرده‌اند؟ ۵. طرفداران راهبرد مهار تدافعی و تهاجمی در برابر ایران چه کسانی هستند؟ پرسش‌های مذکور در چپه‌های جدیدی در خصوص این موضوع می‌گشاید. اما پاسخ به همه این پرسش‌ها در مجال پژوهش حاضر نمی‌گنجد. گذشته از تحقیقات زیادی که در زمینه این موضوع انجام شده است، می‌توان به کمبود اطلاعات در پژوهش‌های صورت‌گرفته اشاره کرد. به‌طور نمونه، برخی پژوهشگران تصور می‌کنند تنها تحریم‌های سازمان ملل و تحریم‌های یکجانبه آمریکا در حوزه هسته‌ای عناصر مهار ایران هستند. نوآوری پژوهش حاضر این است که عناصر مهار را محدود به برنامه هسته‌ای نمی‌داند و حتی احیای برجام را برای مهار برنامه هسته‌ای ایران ارزیابی می‌کند. تحریم‌های سازمان ملل و تحریم‌های یکجانبه آمریکا، تهدید نظامی، استقرار نظامی آمریکا در نزدیکی مرزهای ایران، عملیات پنهان و تلاش برای منزوی کردن ایران را مرتبط با عناصر مهار آمریکا می‌داند. بنابراین پرسش‌های پژوهشی عبارت‌اند از: ۱. رویکرد دولت بایدن در برابر ایران چه بوده است؟ ۲. آیا در دوره بایدن، عناصر مهار آمریکا تداوم پیدا کرده است یا خیر؟ در فرضیه پژوهشی استدلال می‌شود که از دید دولت بایدن رویکرد گفت‌وگو و مذاکره بهترین شیوه برخورد با ایران برای احیای برجام است، زیرا افزایش تنش به اتحاد رقبای آمریکا علیه آن به‌ویژه در خاورمیانه منجر خواهد شد. اگرچه هدف دولت بایدن از احیای برجام مهار برنامه هسته‌ای ایران، جلوگیری از

برهم خوردن توازن منطقه‌ای و بین‌المللی به زیان خود و هم‌پیمانانش است، دولت بایدن طرح کمربند و راه چین و ایجاد رابطه حسنه ایران با چین و روسیه و همکاری راهبردی با آنها را خطری برای آمریکا تلقی می‌کند. این پژوهش با بررسی پیشینه اعمال راهبرد مهار آمریکا در برابر ج.ا.ایران تلاش دارد در چند بخش به پرسش‌های پژوهش پاسخ دهد تا دریچه مناسبی برای تحلیل بهتر موارد مطالعاتی حاصل شود.

۲. روش پژوهش

هدف نوشته حاضر بررسی راهبرد مهار آمریکا در حکومت‌های مختلف آمریکا در برابر جمهوری اسلامی ایران است. پژوهش حاضر از لحاظ هدف بنیادی-کاربردی و از حیث ماهیت و روش توصیفی-تبیینی است. گردآوری اطلاعات با روش کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اسناد موجود در زمینه موضوع پژوهش انجام گرفته است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش نیز از استدلال و تجزیه و تحلیل کیفی استفاده شده است.

۳. چارچوب نظری: نظریه بازها و واقع‌گرایان در آمریکا

جرج کنان^۱، اغلب مغز متفکر سیاست مهار^۲ خوانده می‌شود. نظریه او اولین بار در ۱۹۴۷ در قالب یک مقاله ناشناس با عنوان «مقاله ایکس»^۳ در مجله امور خارجی آمریکا منتشر شد. او نوشت: «عنصر اصلی هر سیاست آمریکا در برابر شوروی باید مهار طولانی‌مدت صبورانه، هرچند استوار و هوشیارانه در مقابل تمایلات توسعه‌طلبانه روسیه باشد»^۴ (Kennan, 1947: 572). نظریه مهار کنان اساس سیاست خارجی ترومن، رئیس‌جمهور وقت آمریکا قرار گرفت. اما جان فاستر دالس^۵ در طول مبارزات انتخاباتی ۱۹۵۲ اعلام کرد که سیاست آمریکا نباید مهار باشد، بلکه باید محدودیت قدرت شوروی و در نهایت آزادی اروپای شرقی باشد. اما در نهایت با وجود تمام انتقادات و شکست‌های مختلف سیاسی که کنان در اوایل دهه ۱۹۵۰ متحمل شد، مهار، راهبرد اصلی آمریکا در طول جنگ سرد باقی ماند (Gati, 2014: 30-32). موفقیت راهبرد مهار در برابر شوروی موجب شد این راهبرد در برابر ج.ا.ایران نیز اتخاذ و اجرا شود. سه دیدگاه کلی در آمریکا برای مهار ایران وجود دارد که شامل مهار تهاجمی

1. George Frost Kennan

۲. مهار در فرهنگ لغت به معنای کنترل، قید و بند و احاطه آمده است.

3. The X article

4. In these circumstances it is clear that the mean element of any United States policy toward the Soviet Union must be that of a long-term, patient but firm and vigilant containment of Russian expansive tendencies.

5. John Foster Dulles

(دیدگاه بازها)^۱، تنش‌زدایی و بهبود روابط (دیدگاه کبوترها)^۲، نوسان بین مهار تهاجمی و تدافعی بر پایه تغییر شرایط (دیدگاه واقع‌گرا)^۳. این پژوهش بر رویکرد بازها و واقع‌گرایان تمرکز دارد، زیرا رویکرد کبوترها اکنون دور از دسترس است.

۳.۱. سه رویکرد اصلی در ایالات متحده درباره مهار ایران

۳.۱.۱. رویکرد بازها

بازها معتقدند ایران قصد دارد هژمون منطقه باشد، توانایی دستیابی به این موقعیت را دارد و روندها در سال‌های اخیر به‌ویژه پس از توافق برجام برای ایران مطلوب‌تر شده است. مارک دویوویتز، مت‌کروینگ و ری‌تکیه و همچنین بسیاری از مقامات ارشد دولت ترامپ از جمله طرفداران دیدگاه بازها بودند. به‌طور کلی‌تر، آنها باور دارند باید جلوی افزایش قدرت ایران را گرفت. بازها طرفدار سیاست‌های سختگیرانه منزوی کردن و مجازات ایران بودند و بسیاری از آنها با ایده تغییر رژیم هم‌دل هستند. آنها مخالف برجام بودند و دولت ترامپ را تشویق کردند که آن را کنار بگذارد. دونالد ترامپ، طرفدار رویکرد بازها و به‌دنبال سیاست همه‌یاهیچ در برابر ایران بود. او در سفر مه ۲۰۱۷ به اسرائیل، از برجام به‌عنوان توافق «فوق‌العاده» برای ایران یاد کرد و مدعی شد که این توافق سیاست خارجی این کشور را «جسورتر» می‌کند. ری‌تکیه نیز نوشته بود که ایران پس از برجام به یک «قدرت امپراتوری تهاجمی‌تر» تبدیل خواهد شد و برجام «جهش امپراتوری» آن را ممکن می‌سازد (Cbsnews, 2017: 1-2). از دیدگاه مارک دویوویتز برجام با نابودی بسیاری از بخش‌های ساختار تحریم‌های بین‌المللی، در را به روی ایران باز می‌کند تا دوباره در اقتصاد بین‌الملل ادغام شود (Dubowitz, 2016: 3-5).

در اسرائیل، موشه یعلون، وزیر دفاع وقت، استدلال کرد که ایران از توافق برای دستیابی به هژمونی در خاورمیانه سوءاستفاده می‌کند (Cortellessa, 2016). حتی برخی ناظران میانه‌رو ادعا کردند که ایران پس از برجام در حال صعود است. (Economist, 2016) (لیندسی و تکیه در سال ۲۰۱۰ در اثر خود اذعان کردند که مهار ایران هسته‌ای کاری آسان نخواهد بود (Linsay & Takeyh, 2010: 22). چارلز کراوتامر^۴ ایران را کشوری توصیف می‌کند که توسط متعصبان مذهبی اداره می‌شود. و احتمال دارد، بیش از هر کشور دیگر از سلاح هسته‌ای استفاده کنند (krauthammer, 2012: 22-25). ری‌تکیه و ولی‌نصر، ایران را دشمن اصلی می‌دانند که مشکلات جدی برای آمریکا ایجاد می‌کند. از نظر نصر و تکیه عناصر لازم برای

1. Hawkish View
2. Dovish View
3. Realist View
4. Charles Krauthammer

یک تلاش موفقیت‌آمیز برای مهار به‌سادگی وجود نداشته است (Naser & Takeyh, 2008: 88). دونالد ترامپ به‌عنوان طرفدار رویکرد بازها، ایران را کشور حامی تروریسم معرفی کرد. وزیر دفاع سابق آمریکا، جیمز ماتیس نیز ایران را تهدیدی برای ثبات خاورمیانه تلقی کرد. به‌نظر می‌رسد واشنگتن معتقد است که جلوگیری از نفوذ ایران نظم را به خاورمیانه بازمی‌گرداند (Naser, 2018: 109-110). بنابراین بازها استدلال می‌کنند که مهار ایران در طول دهه‌های ۱۹۹۰، ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰ به‌طور مکرر شکست خورده است.

۳.۱.۲. رویکرد کبوترها

کبوترها از بسیاری از سیاست‌های ایران انتقاد می‌کنند؛ اما با سیاست آمریکا نیز مخالف‌اند. تریتا پارسی و رابرت نی نماینده سابق اوهایو^۱ در کنگره آمریکا از جمله این نظریه‌پردازان هستند. از نظر آنها، اقدام‌های بیش‌ازحد تهاجمی واشنگتن سبب شده است که ایران چاره‌ای جز حفاظت از امنیت خود نداشته باشد. بنابراین آنها با مفهوم مقاومت که در مرکز هویت جمهوری اسلامی است، همدردی می‌کنند. حداقل از لحاظی، مخالف برخی سیاست‌های آمریکا در منطقه هستند. آنها طرفدار تعامل با ایران هستند و در آغاز امیدوار بودند که برجام به دو کشور اجازه می‌دهد تا چهار دهه دشمنی را فراموش کنند. به موازات آن، بسیاری از کبوترها تمایل دارند بین آمریکا و شرکای عربی، فاصله بیشتری ببینند. کبوترها جناح کوچکی در آمریکا هستند.

۳.۱.۳. رویکرد واقع‌گرایان

رابرت جرویس، استفان والت، کنت والتز و پل پیلار واقع‌گرایانی هستند که در خصوص سیاست آمریکا در برابر ایران نوشته‌اند. آنها بر خلاف بازها، حکومت ایران را بازیگری محتاط می‌دانند و معتقدند در درجه اول، ناامنی شدیدی که ایران در منطقه احساس می‌کند، سیاست خارجی آن را هدایت می‌کند. آنها از رویکرد مهار جرج کنان حمایت می‌کنند؛ ولی در عین حال انعطاف‌پذیرند و بر تعامل با ایران برای تأمین منافع متقابل تأکید دارند (Coates, 2014: 1-6). واقع‌گرایان از برجام حمایت می‌کنند، ولی به نظر آنها توافقی ناقص است. واقع‌گرایانی مانند والاس جی تیز^۲ نویسنده کتاب *چرا مهار کار می‌کند: قدرت، تکثیر و جنگ پیشگیرانه* در سال ۲۰۲۰ اشاره می‌کند: «اگر بازها در زمینه شکست‌های متعدد راهبرد مهار درست می‌گویند، چرا در طرف ایرانی پیشرفت بیشتری برای دستیابی به سلاح هسته‌ای حاصل نشده است؟». از نظر او، اینکه برنامه هسته‌ای ایران به‌کندی پیش می‌رود، آیا

1. Robert W. Ney (R-Ohio)

2. Wallace J. Thies

به این دلیل نیست که محدودیت‌هایی بر سر راه ایران از سوی آمریکا و هم‌پیمانانش ایجاد شده است؟ والاس جی تیز در پاسخ به انتقاد بازها در خصوص شکست سیاست مهار می‌نویسد: «اگر ایران توسط متعصبان مذهبی اداره می‌شود و راهبرد مهار به‌طور مکرر شکست خورده است، پس چرا ایرانیان توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ را با آمریکا و دیگر کشورهای اروپایی پذیرفتند؟». از نظر واقع‌گرایان شیخ‌نشین‌های خلیج‌فارس با ایران همسو نشدند و در عوض آنها در مقابل ایران دست به موازنه قدرت زدند. از نظر واقع‌گرایان، راهبرد مهار همچنان مؤثر است (J.Thies, 2020: 28-30). واقع‌گرایان، همراهی نکردن کشورهای کوچک‌تر با ایران در منطقه را حاکی از آن می‌دانند که مهار و محدودیت همچنان ادامه دارد و شکست نخورده است، زیرا آمریکایی‌ها هنوز از منطقه خارج نشده‌اند. اگر آمریکا از منطقه خارج شود و مهار شکست بخورد، فرصت بیشتری برای ایران فراهم می‌شود تا با کارت خودش در منطقه بازی کند و فشار بیشتری بر کشورهای کوچک خلیج‌فارس تحمیل کند؛ زیرا آن کشورها دهه‌ها در عمل هم‌پیمانان آمریکا بودند (J.Thies, 2020: 4-10). بر خلاف دیدگاه‌های کرواتامر و دیگر طرفداران نظریه بازها، از نظر واقع‌گرایان، ایران چنین نیست که ایجاد بی‌نظمی در نظم را برای انجام برخی تکالیف معنوی انجام دهد یا قدرت توسعه‌طلب با تمایلات کنترل‌نشده‌ی باشد (Mesbahi, 2013: 7-9). از نظر واقع‌گرایان ابرقدرت‌ها منابع زیادی در اختیار دارند و تقریباً همیشه گزینه‌های بیشتری برای انتخاب دارند تا قدرت‌های کوچک‌تر مانند ایران. از نظر واقع‌گرایان دولت ریگان موفق شد توافق اروپا را به‌دست آورد و آلمان را وادار کند که همکاری خود با برنامه هسته‌ای نوپای ایران را کنار بگذارد. به همین ترتیب تا سال ۱۹۹۶، فشار مداوم آمریکا توانست چین را وادار به قطع همکاری هسته‌ای با ایران کند. از نظر واقع‌گرایان اگر راهبرد مهار برای آمریکا خیلی زمان‌بر بوده، مقامات آمریکایی از این زمان خوب استفاده نکرده‌اند. پس این سیاست حکومت‌های آمریکاست که شکست خورده است نه راهبرد مهار (J.Thies, 2020: 15-20). شعار دولت واقع‌گرای بایدن نیز برای خاورمیانه پایان دادن به جنگ بوده است. کاخ سفید درگیر مدیریت چالش ایجادشده توسط چین است و قصد دارد آمریکا را از درگیری‌های به‌ظاهر بی‌پایان و غیرقابل پیروزی خاورمیانه جدا کند (Nasr, 2022: 130-131).

۴. یافته‌های تحقیق

۴.۱. دلایل مهار ایران در حکومت‌های مختلف آمریکا از کارتر تا ترامپ

آنچه از نظر آمریکا، مهار ایران را ضروری ساخته است، این است که ایران منافع حیاتی آمریکا را به خطر می‌اندازد. از جمله منافع حیاتی آمریکا در منطقه خاورمیانه عبارت‌اند از: ۱. حفظ

امنیت اقتصادی آمریکا در مقابل اختلال در نفت و افزایش قیمت آن؛ ۲. حفاظت از استاندارد و سبک زندگی شهروندان آمریکایی بر اساس مصرف منابع انرژی؛ و ۳. کنترل قیمت نفت و توزیع آن بین کشورها و به تبع آن کنترل اقتصاد کشورهای صنعتی. حداقل چهار دلیل وجود دارد که واقع‌گرایان و بازها معتقدند ج.ا.ایران تهدید وجودی است، بنابراین نیازمند مهار تدافعی یا تهاجمی است.

۱. از نظر آنها، ج.ا. ایران به‌طور انکارناپذیری با غرب دشمنی دارد و پیوسته برای تضعیف منافع آمریکا در خاورمیانه کار می‌کند. در مقابل، آمریکا نیز برای مهار ایران تلاش می‌کند. از نظر واقع‌گرایان، ایرانی‌ها ثابت کرده‌اند که رقبایی مصمم‌اند (Cornelius, 2017: 7-9). چارلز کراوتامر^۱ در سال ۱۹۹۳ بیان کرده است، ایران هیچ کوششی برای پنهان کردن بلندپروازی‌های خود نمی‌کند؛ ۲. شور و حرارت مذهبی، قدرت ممتازی را در ایران رقم زده است (Krauthammer, 1993: 5-9). برای نمونه در طول دهه ۲۰۰۰، جرج بوش، ایران را دشمن آمریکا تلقی کرد و مدعی شد ایران، کارهای زیادی مانند صدور انقلاب به کشورهای همسایه، تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی و تقویت نیروهای نظامی متعارف خود را در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ انجام داده است (The White House, President George W. Bush, 2002: 2). رهبران ایران به‌ندرت فرصتی را از دست می‌دهند تا بی‌علاقگی و تحقیرشان نسبت به هنجارها، قواعد و اصول غربی برای مدیریت امور بین‌الملل را نشان دهند؛ و ۴. جمهوری اسلامی به‌دلیل سیاست‌های خاصی که در برابر آمریکا و اسرائیل اتخاذ کرده است، چالشگر آزردهنده‌ای برای آنها تلقی می‌شود. ری تکیه و ولی نصر، ایران را به‌عنوان «مشکل جدی برای آمریکا» توصیف می‌کنند. کالین دوک از دانشگاه جرج میسون و ری تکیه توجه دیگران را به لفاظی سختگیرانه حکومت ایران نسبت به اسرائیل جلب می‌کنند. آنها معتقدند همان‌طور که مشاهده می‌شود، حکومت ایران، اسرائیل را دولت نامشروع و قدرت اسرائیل را محصول توطئه مخرب می‌داند (Naser & Takeyh, 2008: 78-80). افزون بر موارد مذکور، موقعیت راهبردی، ثروت، وسعت و جمعیت ایران، این کشور را به قدرت منطقه‌ای مهم تبدیل کرده است که نمی‌توان آن را دست‌کم گرفت (Hashem & Abdul-Jabbar, 2022: 204-206). شرق‌گرایی پیدا کند، زیرا تحریم‌های مالی، اقتصادی، دفاعی و نظامی ج.ا.ایران در سند راهبردی آمریکا نهادینه شده است و نمی‌توان به‌آسانی آن را نادیده گرفت (Naqdi & Eslami, 2015: 38). با

1. Charles Krauthammer

توجه به دلایل مذکور تاریخچه مختصری از راهبرد مهار آمریکا در برابر ج.ا.ایران بررسی می‌شود:

۴.۱.۱. دولت کارتر

کارتر رئیس‌جمهور وقت آمریکا در آغاز انقلاب ایران، پیشنهاد روابط عادی به ایران داد، اما موفق نبود، زیرا دانشجویان ایرانی سفارت آمریکا را تصرف کردند و بحران گروگان‌گیری ۴۴۴ روزه اتفاق افتاد. واشنگتن همچنین در پاسخ به ترس متحدان آمریکا در خلیج فارس، تجهیزات نظامی خود را در منطقه افزایش داد تا از تلاش ایران برای صدور انقلاب خود جلوگیری کند یا آن را شکست دهد. از نظر واقع‌گرایان، سیاست مهار در این مقطع قدرت و نفوذ ایران را محدود کرد (Biersmith, 2007: 5-8). با توجه به حمله صدام به ایران، جیمی کارتر در کتاب خود با عنوان *حفظ ایمان: خاطرات یک رئیس‌جمهور معتقد* است هیچ شناختی از این حرکت و هیچ تأثیری در آن نداشتیم. با وجود این ایران ما را مقصر می‌دانست (Carter 1995: 516). ابوالحسن بنی‌صدر رئیس‌جمهور وقت ایران در کتابش با عنوان *نوبت من برای صحبت کردن: ایران، انقلاب و رابطه پنهان با آمریکا*، در سال ۱۹۹۱ می‌نویسد: «ما می‌دانستیم که برژنسکی، مشاور امنیت ملی کارتر و صدام حسین در هفته نخست ژوئیه ۱۹۸۰ یکدیگر را ملاقات کردند». برژنسکی هرگز این سفر را انکار نمی‌کند و در خاطراتش یک بار به جنگ ایران و عراق اشاره دارد. برژنسکی گفته است: «گزارشی برای کارتر تهیه کرده و توضیح داده است که این درگیری با سیاست‌های آمریکا در منطقه سازگار است» (Bani-Sadr 1991: 70). در تحلیل نهایی، به نظر می‌رسد که سیاست آمریکا این بود که بیش‌ازحد حکومت ایران را به زانو دریاورد و همزمان، روابط نزدیک با صدام حسین برقرار کند. اما استقبال از صدام تنها تاکتیکی بود، زیرا سیاست آمریکا، همراهی با اسرائیل بود. آمریکا با تشویق صدام به جنگ با ایران در اصل به دنبال مهار دوگانه ایران و عراق بود (Eisenstadt, 1999: 3-6).

۴.۱.۲. دولت ریگان

رونالد ریگان از سلف خود بسیار انتقاد داشت، ولی او نیز مهار را راهبرد خود در برابر ایران برگزید. ریگان با وجود شهرت تهاجمی و تحریکات ایران، نسبت به مواجهه با ایران اکره داشت. همچنین با اینکه سپاه پاسداران در لبنان مستقر شد و حزب‌الله را تقویت کرد و اقدام‌های نظامی را علیه پادگان‌های دریایی آمریکا در بیروت در سال‌های ۱۹۸۳ و ۱۹۸۴ تسهیل کرد، ولی واشنگتن از گزینه نظامی در دوره ریگان علیه ایران استفاده نکرد. تاکتیک مهار ریگان شامل ایجاد نیروهای نظامی آمریکا در خلیج فارس و افزایش فروش سلاح به

عربستان و سایر شیخ‌نشین‌ها بود. واشنگتن همچنین در سال ۱۹۸۲ پس از پیروزی‌های ایران در جنگ تحمیلی، به عراق متمایل شد. دولت ریگان در اواخر دهه ۱۹۸۰ به سبب دوستی تاکتیکی با تهران برای کمک به آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان، برای مدت کوتاهی راهبرد مهار در برابر ایران را اجرا نکرد (Myers, 1997: 1-2). راهبرد مهار ریگان، بر خلاف سیاست رسمی آمریکا مبنی بر بی‌طرف ماندن در جنگ بود. همچنین این سیاست، مغایر با توافق الجزایر بود، زیرا بر اساس توافق مذکور آمریکا متعهد می‌شود به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در ایران مداخله سیاسی یا نظامی نداشته باشد. اما این توافقنامه بین آمریکا و ایران مانع از حمایت فعالانه ریگان از صدام حسین در جنگ تحمیلی نشد (Fayazmanesh, 2008: 24).

۴.۱.۳. دولت جورج اچ. بوش

دولت بوش پدر در پی بهبود روابط با ایران بود. بوش در سخنرانی افتتاحیه خود گفته بود: «حسن نیت، حسن نیت می‌آورد». اما وقتی ایران به آزادی آخرین گروگان‌های آمریکایی در لبنان کمک کرد، واشنگتن پاسخ اقدام ایران را نداد و ابتکار عمل ایران به نتیجه نرسید. سایر مسائل مثل سقوط شوروی، بحران چین در میدان تیان آنمن^۱ و جنگ خلیج‌فارس ۱۹۹۱-۱۹۹۰ سبب شد بوش به مهار منفعلانه یا تدافعی ایران اکتفا کند. در نهایت واشنگتن تقریباً تهران را نادیده گرفت (Biersmith, 2007: 5-8).

۴.۱.۴. دولت کلینتون

دولت کلینتون راهبرد «مهار دوگانه» را نسبت به ایران و عراق اعلام کرد. کلینتون بر این باور بود که سرانجام، صلح بین جهان عرب و اسرائیل ممکن است. اما باید جلوی تأثیر مخالفت ایران و رژیم بعث عراق را بر این روند گرفت (Zakerian & Eskandari Zanjani, 2021: 3-4). ایران با یک مبارزه نامتقارن تهاجمی علیه منافع آمریکا و هم‌پیمانانش، واشنگتن را به سمت سیاست مهار تهاجمی سوق داد. دولت آمریکا زیر هدایت کنگره، تحریم‌های یکجانبه جامعی علیه ایران اعمال کرد که بر رشد اقتصادی ایران تأثیر منفی داشت (Pollack, 2010: 2-5). تهدید به تحریم‌های ثانویه برای شرکت‌های غیرآمریکایی که تجارت شایان توجهی با صنعت نفت ایران انجام می‌دادند، مورد توجه و تأکید دولت کلینتون بود. اولین دوره کلینتون شاهد مهار تهاجمی علیه جمهوری اسلامی بود. اما دوره دوم ریاست

۱. جنبش دموکراسی چین در میدان تیان آنمن ۱۹۸۹

جمهوری کلینتون مصادف با انتخاب محمد خاتمی در ایران در سال ۱۹۹۷ بود. بنابراین تغییر اندکی در سیاست آمریکا در برابر ایران ایجاد شد و جنبه تدافعی پیدا کرد. خاتمی در تلاش بود دیوار بی‌اعتمادی بین ایران و آمریکا فرو بریزد. دولت کلینتون امیدوار بود که تنش‌زدایی خاتمی امکان خاتمه دادن به دو دهه دشمنی را فراهم کند و یک سری حرکات یکجانبه را امتحان کرد تا به خاتمی کمک کند. اما در نهایت منوط کردن رفع تحریم‌ها به تغییر رفتار ایران موجب شد بهبودی در رابطه دو کشور حاصل نشود (Knapp, 2010: 45-50).

۴.۱.۵. دولت جورج دبلیو بوش و اوپاما

دولت بوش پسر به راهبرد مهار در برابر ایران ادامه داد؛ اما پس از حملات ۱۱ سپتامبر دولت او انعطاف بیشتری را نشان داد. ایران و آمریکا به‌طور گسترده همکاری کردند تا با دشمنان مشترکشان در افغانستان و عراق مقابله کنند. ظاهراً برخی در تهران امیدوار بودند که همکاری تاکتیکی ایران و آمریکا به همکاری آشکار و گسترده تبدیل شود (Russel, 2004: 32-34). ولی تهدید ایران و قرار دادن آن در فهرست کشورهای محور شرارت و رویکرد خصمانه بوش پسر در پرونده هسته‌ای بیانگر حضور صفاتی چون هیجان‌جویی، برون‌گرایی و رفتارهای تکانشی است (Cheginizadeh & Mahmoudi, 2022: 196). دولت بوش و سپس دولت اوپاما رویکرد واقع‌گرایان یعنی «چماق و هویج» را به‌کار بردند تا ایران را قانع کنند برنامه هسته‌ای خود را متوقف کند. آمریکا و هم‌پیمانانش بر اساس سیاست چماق و هویج، انگیزه‌های اقتصادی و دیپلماتیک را برای توقف برنامه هسته‌ای ایران ارائه دادند. همچنین تهدید کردند در صورت عدم پذیرش توقف برنامه هسته‌ای از سوی تهران، تحریم‌های شدیدتری برای مهار ایران وضع می‌کنند (Bunn, 2016: 16-17). هدف از این تغییر جهت به نتیجه رساندن سیاست مهار و جلوگیری از افزایش قدرت نظامی ایران بود. همچنین بوش و اوپاما انتظار داشتند راهبرد مهار موجب تغییر در سیاست‌های تهران شود. آمریکا برای ترغیب ایران به مذاکره در مورد برنامه هسته‌ای خود، از تحریم‌ها و جنگ سایبری استفاده کرد تا ایران را منزوی کند (Kroenig, 2018: 94-96).

۴.۱.۶. دولت ترامپ

در ۱۵ ژوئن ۲۰۱۷، سنای آمریکا رأی به تحریم‌های جدید علیه ایران داد. این لایحه دولت ترامپ را ملزم کرد دارایی‌های ایران را مسدود کند و مانع از آن شود کسی به برنامه موشکی ایران کمک کند. در ۲ اوت ۲۰۱۷، آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان، گزارشی را به کمیته تحریم‌های شورای امنیت و دبیر کل سازمان ملل، آنتونیو گوترش، ارائه دادند. این چهار قدرت

به پرتاب موشک ایرانی به فضا در ۲۷ ژوئیه ۲۰۱۷ اشاره و ادعا کردند که این آزمایش ارتباط مستقیمی با تلاش ایران برای دستیابی به موشک‌های بالستیک قاره‌پیما دارد. بنابراین این پرتاب گامی تهدیدآمیز تلقی شد. راهبرد مهار آمریکا در برابر ایران شامل بندهای زیر بود: ۱. ایجاد وحدت جهانی و ظرفیت منطقه‌ای در برابر اقدام‌های ایران؛ ۲. متلاشی کردن طرح قدرتمند شدن ایران؛ و ۳. مجبور کردن رهبران ایران به اولویت دادن به منافع ملی به جای منافع ایدئولوژیک (Nader, 2015: 2-4). سیاست «نخست آمریکا» از سوی ترامپ مطرح شد، او اعتقادی به چندجانبه‌گرایی نداشت و در راستای تخریب نظم لیبرال عمل کرد. از این رو، دولت ترامپ از برجام خارج شد (Radfar and Dehghani Firooz Abadi, 2020: 233). در ۵ نوامبر ۲۰۱۸، دولت ترامپ تحریم‌های آمریکا را که پس از برجام برداشته شده بود، مجدداً احیا کرد. این اقدام ترامپ به اقتصاد ایران آسیب زیادی زد که آثار آن به شکل تورم و کاهش ارزش پول ملی در مقابل ارز خارجی ظاهر شد. اما خارج نشدن ایران از برجام موجب شد ترامپ نتواند تحریم‌های چندجانبه در چارچوب سازمان ملل علیه ایران را عملی سازد. از این رو دور زدن تحریم‌ها و تلاش برای خنثی‌سازی آنها از سوی ایران صورت گرفت.

۲.۴. مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر تداوم مهار ایران در دوره جو بایدن

۲.۴.۱. تروریسم

سیاست آمریکا افزایش فشار بر جمهوری اسلامی و انزوای آن در خاورمیانه و تضعیف هم‌پیمانان این کشور به بهانه‌های مختلف مانند برنامه هسته‌ای، حقوق بشر، حمایت از تروریسم، مختل کردن روند صلح خاورمیانه و... است (Dehshiri & Ghafouri, 2014: 180). جو بایدن تأکید کرده بود که با هم‌پیمانان آمریکا کار خواهد کرد تا توافق هسته‌ای با ایران را احیا کند و در عین حال به موضوعات و مسائل نگران‌کننده دیگر مانند مسئله تروریسم بپردازد. واشنگتن ادعا دارد باید تهدید ایران را مهار کند و تهران را مجبور به توقف حمایت از تروریسم کند. تحریم‌های دیپلماتیک و اقتصادی به‌عنوان راحت‌ترین وسیله برای دستیابی به این هدف ظاهر شده است. جیمز وولسی^۱، مدیر سابق سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) ادعا می‌کند ایران حامی اصلی، تشویق‌کننده و سرمایه‌گذار تروریسم در جهان است. در ۱۹۹۸، وزارت امور خارجه آمریکا، ایران را فعال‌ترین دولت حامی تروریسم توصیف کرده است. این اظهارات منعکس‌کننده تلقی چند دهه‌ای از ایران به‌عنوان یک «دولت سرکش» است. از این رو از سال ۱۹۸۴ ایران در فهرست کشورهای حامی تروریسم وزارت امور خارجه آمریکا قرار گرفته است. این اتهامات واشنگتن را بر آن داشت تا اقدام قاطعی برای توقف هرگونه تعامل

اقتصادی با تهران انجام دهد. با این حال، سیاست مهار در تغییر سیاست ایران، یعنی آنچه واشنگتن به‌عنوان حمایت تهران از تروریسم می‌داند، موفق نبوده است. افزون بر این، تحریم‌ها برای جامعه تجاری آمریکا گران تمام شده است. در نتیجه، این احساس فزاینده در میان اعضای دولت و کنگره آمریکا وجود دارد که تحریم‌ها در گذشته بسیار زیاد و بی‌رویه استفاده شده‌اند (Bahga, 2010: 142-146). مسئله تروریسم از محرک‌های اصلی دولت بایدن برای تداوم راهبرد مهار در برابر ایران محسوب می‌شود. در این زمینه گزارش وزارت خارجه آمریکا بر مسئله تروریسم تمرکز دارد و ایران را خطرناک‌ترین حامی تروریسم دولتی در جهان تلقی می‌کند که کار نوسازی و حمایت از بسیاری از جنبش‌ها و سازمان‌های مسلح را بر عهده گرفته است. این امر تا اکنون مورد توجه مقامات آمریکا قرار گرفته است (Hashem & Abdul- (Jabbar, 2022: 206-207).

۲.۲.۴. برنامه هسته‌ای

جو بایدن با وعده بازگرداندن آمریکا به توافق هسته‌ای با ایران، روی کار آمد، ولی انجام این کار برای دولت او، تا حدی به دلیل سیاست‌های پیچیده پیرامون توافق در واشنگتن و تهران، همچنین تیرگی روابط بین دو کشور که در دوره سلف بایدن، دونالد ترامپ، به شدت بدتر شده بود، دشوار است (Karimifard, 2016: 1-2). فشار حداکثری بر تهران که توسط ترامپ و وزیر امور خارجه او، مایک پمپئو، سازماندهی شد، نتوانست حکومت ایران را بشکند و فعالیت‌های منطقه‌ای آن را محدود کند. در واقع این اقدام کاخ سفید سبب ایجاد پیشرفت هسته‌ای در ایران شد. از اوایل سال ۲۰۱۹، تهران به تدریج یک سری نقض به اصطلاح برگشت‌پذیر از تعهدات خود ذیل توافق هسته‌ای را اعلام کرده است که از محدودیت‌های ذخایر اورانیوم غنی شده و سطح غنی‌سازی خود فراتر رفته است. آمریکا تلاش می‌کند تا به برجام بازگردد و ایران را وادار به تبعیت از محدودیت‌های مربوط به برنامه هسته‌ای خود کند؛ اما هم‌اکنون مذاکره به بن‌بست رسیده است و حتی در صورت احیای برجام، هیچ نشانه‌ای از تمایل ایران برای دادن امتیاز در سیاست منطقه‌ای خود و توسعه توان موشکی کشور دیده نمی‌شود. دولت بایدن اذعان می‌کند که سیاست آمریکا، ایران را به سمت نزدیکی با روسیه و چین سوق داده است (Bobkin, 2022: 5). درحالی‌که لغو بسیاری از سیاست‌های دولت ترامپ مانند پیوستن مجدد به توافقنامه آب‌وهوای پاریس، پایان دادن به «ممنوعیت سفر»، تسریع در گسترش واکسیناسیون در آمریکا و تصویب «طرح نجات آمریکایی» مطرح شد، ولی ایران برای دولت بایدن به دلیل جنگ اوکراین و سایر مسائل منطقه‌ای اولویت چندانی نداشت. دولت بایدن قبلاً در تضاد شگفت‌انگیزی با وعده‌های انتخاباتی ریاست جمهوری خود مبنی بر بازگشت به برجام ۲۰۱۵، به توافق دیگری اشاره کرده و دنبال می‌کند. وزیر امور خارجه در پاسخ به این پرسش‌ها که آیا

متعهد به رسیدگی به موضوع موشک‌های بالستیک و سوابق حقوق بشر ایران در کنار برج‌جام است و آیا در این زمینه با کنگره آمریکا مشورت خواهد کرد یا خیر؟ پاسخ مثبت داده است. بلینکن در پاسخ به نگرانی‌های کنگره در خصوص برج‌جام، پاسخ داده است که قصد دولت بایدن این است که از توافق فعلی تنها به‌عنوان بستری برای توافق جدید استفاده کند. پل آر پیلار^۱ و همکارانش مفروضات اشتباه اعضای جامعه سیاست خارجی آمریکا را فهرست کردند که مانع از پیشرفت مذاکرات هسته‌ای ایران در گذشته شده بود. به‌طور مشابه، نویسندگانی مانند علی واعظ و داریل کیمبال^۲ به این موضوع پرداختند که چرا تحریم‌ها نتوانستند توان هسته‌ای ایران را محدود کنند. کیمبال معتقد است توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ با ایران راه‌حل موفق و نوآورانه‌ای بود که باید مورد حمایت قرار گیرد (Mousavian & Mahmoudieh, 2022: 131-133). دولت بایدن در پی توافق هسته‌ای و مماشات در روابط آمریکا با ایران بود، ولی چنین تعدیلهایی با مخالفت محافظه‌کاران داخلی و هم‌پیمانان خاورمیانه آن مواجه شد. بر خلاف وضعیت امنیت منطقه‌ای و شرایط مذاکره در ۲۰۱۵، مذاکرات کنونی هسته‌ای ایران وارد بن‌بست شده و سبب بروز اختلاف‌هایی بین آمریکا و ایران شده است. برای آینده قابل پیش‌بینی، می‌توان انتظار داشت سه رویکرد ممکن است در زمینه مسئله هسته‌ای ایران اتخاذ شود: نخست، هم آمریکا و هم ایران یا یکی از دو کشور امتیازهای عمده‌ای دهند و این مذاکرات به یک توافق جدیدی منجر شود؛ دوم، هر دو طرف مصالحه‌های عمده را رد کرده و تنش‌های دیپلماتیک و درگیری‌های نظامی بیشتری ایجاد کنند؛ سوم، گفت‌وگو همچنان در بن‌بست باقی بماند، زیرا هر دو طرف بر موضع خود اصرار می‌ورزند تا فرصت‌های جدید دوباره ظاهر شوند. روابط ایران با آمریکا به‌جای تشدید بیشتر تنش‌ها و حتی شروع جنگ، در وضعیت «مقاومت در برابر فشار» قرار دارد. با این حال، دولت بایدن برای حل مشکلات باقی‌مانده برنامه هسته‌ای ایران به راهبرد جامع‌تری نیاز دارد. سیاست بایدن در برابر ایران باید منافع ایران را از طریق همکاری تضمین کند. دولت بایدن انگیزه‌هایی برای بهبود روابط ایران و آمریکا و بازگرداندن توافق هسته‌ای ایران دارد. با این حال، با محدودیت‌هایی از سوی سیاست داخلی و بی‌اعتمادی ایران به آمریکا مواجه است. تندرورهای داخلی، دولت بایدن را تحت فشار قرار داده‌اند تا مواضع سختی در برابر ایران داشته باشد. دولت بایدن باید از طریق همکاری، منافع ایران را تضمین کند و به توسعه اجتماعی و معیشت مردم در ایران توجه بیشتری داشته باشد (Tang, & Pan, 2022: 207-208). امیدهای دولت بایدن برای دستیابی به توافقی بهتر با مفاد اصلاح‌شده در زمینه سیاست منطقه‌ای ایران و

1. Paul R. Pillar

2. Daryl Kimbal

برنامه‌های موشکی آن، در حال حاضر غیرواقعی است و پنجره ادامه گفت‌وگو برای مدت طولانی باز نخواهد بود. مخالفت داخلی با سیاست‌های بایدن مانع از احیای برجام می‌شود (Bobkin, 2022: 5-7). برای دولت دموکرات آمریکا احیای برجام منطقی به نظر می‌رسد، ولی در واقع، همه چیز پیچیده‌تر به نظر می‌رسد و نه تنها به دلیل مخالفت در کنگره، وضعیت جهان و به‌ویژه خاورمیانه (جنگ غزه) دستخوش تغییرات محسوسی شده است که اجازه نخواهد داد کاخ سفید به راحتی به این توافق بازگردد (Frolov, 2021: 1).

جدول ۲. نتایج سیاست واقع‌گرایانه بایدن با احیای برجام

مزایای احیای برجام برای آمریکا	نتایج سیاست خارجی واقع‌گرایانه
فرصت همکاری با ایران در حوزه‌های مورد علاقه مشترک	در حوزه سیاسی
جلوگیری از هدر رفتن منابعی که برای انزوا و مجازات ایران تخصیص داده می‌شود.	در حوزه اقتصادی
ایران فعالیت‌های هسته‌ای خود را محدود می‌کند و انگیزه فعالیت هسته‌ای در منطقه کاهش می‌یابد.	در حوزه هسته‌ای
کاهش خطر تشدید درگیری بین دو کشور	در حوزه نظامی

منبع نگارنده

۴.۲.۳. موازنه قدرت در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی

در نگاه دولت بایدن ایران تهدیدی برای منافع و امنیت آمریکا محسوب می‌شود. از نظر دولت بایدن این تهدیدها از نفوذ منطقه‌ای ایران در کشورهایی مانند عراق، سوریه، لبنان، یمن و... و گسترش توان تسلیحاتی ایران ناشی می‌شود (Hadian & Adeli, 2023: 1-2). افزون بر این، ایران در پی آن است محدودیت‌های راهبردی خود را از بین ببرد و همکاری‌های راهبردی با کشورهای مختلف از جمله چین و روسیه شکل دهد تا از طریق آنها وضعیت انزوای سیاسی و فشارهای بین‌المللی به روی خود بشکند. در همین زمینه ایران در ۲۰۲۱ یادداشت تفاهم جامعی را برای مشارکت راهبردی با چین به مدت ۲۵ سال امضا کرد. چنین همکاری با روسیه نیز مورد توجه ایران است. این توافقنامه‌ها به دنبال بحران در روابط چین و آمریکا از یک سو و ایران و آمریکا از سوی دیگر اتفاق افتاد (Phares, 2022: 20-25). ایران و چین توافق میان خود را فرصتی برای رویارویی با آمریکا یافتند که در بسیاری از مسائل با ایران و چین برخورد

می‌کند. از این رو دولت بایدن برای کاهش این همگرایی‌ها و جلوگیری از رشد بیشتر آنها راهبرد بازگشت متوازن به برجام با رویکرد نرم‌تر و با ابزار دیپلماسی پیگیری می‌کند. بنابراین دولت بایدن تلاش دارد بر اساس رویکرد واقع‌گرایانه چنین همگرایی‌هایی در منطقه مهم و راهبردی خاورمیانه که منبع تأمین انرژی آمریکاست، خنثی کند. همچنین دولت بایدن نگران طرح کمربند و راه چین است که برای کنترل بازارهای خاورمیانه طراحی شده است. بنابراین می‌توان گفت راهبرد آمریکا در برابر ایران و منطقه به‌طور کلی بر دو اصل اساسی استوار است:

۱. حفظ توازن راهبردی در منطقه و اطمینان از نبود قدرت‌های برتر نظامی با نفوذ زیاد که بتواند از دیگر کشورها پیشی بگیرد؛ و
۲. تضمین تأمین انرژی در یک منطقه ژئواستراتژیک. در نتیجه در دوره بایدن گرایش به ابزارهای صلح‌آمیز و دیپلماتیک برای مهار ایران بیش از دولت ترامپ است (Phares, 2022: 40-45). بنابراین سیاست بایدن در برابر ایران جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، مهار توان موشکی، قدرت و نفوذ منطقه‌ای و تغییر رفتار ایران در راستای منافع منطقه‌ای و بین‌المللی آمریکاست (Radfar & Dehghani Firooz Abadi, 2020: 240). به‌نظر می‌رسد در دوره بایدن برنامه هسته‌ای ایران یک مسئله مهم و اساسی حاکم بر ماهیت موازنه قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی بوده است. از نظر دولت بایدن، مالکیت ایران بر برنامه هسته‌ای نقطه تهدیدی برای امنیت گروهی از کشورهای خاورمیانه محسوب می‌شود، زیرا راه را برای برتری نظامی و فناوری ایران باز می‌کند و عدم توازن عمده‌ای در موازنه قدرت منطقه‌ای ایجاد کرده و موازنه موجود را نقض می‌کند. از این رو دولت بایدن در پی مهار ایران است تا امنیت همسایگان ایران و منافع قدرت‌های بزرگ به‌زعم آنها به خطر نیفتد. در سال ۲۰۲۳، اصطکاک بین آمریکا و ایران، با حملات علیه کشتیرانی تجاری در خلیج فارس، و ادامه اعمال تحریم‌های آمریکا، از جمله ممنوعیت یک نفت‌کش حامل نفت ایران، ادامه یافت. در همان زمان، طبق گزارش‌ها، دولت بایدن به‌طور مستقیم با دیپلمات‌های ایرانی برای کاهش تنش‌ها تعامل داشت. در سپتامبر ۲۰۲۳، آمریکا و ایران آزادسازی متقابل زندانیان را انجام دادند و آمریکا انتقال شش میلیارد دلار سرمایه ایران از کره جنوبی به قطر را تسهیل کرد. ولی چالش‌های هسته‌ای، حقوق بشری، افزایش همکاری ایران با روسیه و چین و آشفتگی منطقه‌ای که با حمله حماس به اسرائیل در اکتبر ۲۰۲۳ آغاز شد، مهم‌ترین موضوعاتی هستند که بر سیاست آمریکا در برابر ایران تأثیر می‌گذارند. در اوایل ۲۰۲۴، گروه‌های مورد حمایت ایران در سراسر خاورمیانه با نیروهای آمریکایی و شرکای آمریکا در سراسر منطقه درگیر شده‌اند. حملات تلافی‌جویانه آمریکا در مواقعی کارکنان ایرانی را هدف قرار داده، ولی به خاک ایران گسترش نیافته است که می‌تواند به درگیری نظامی مستقیمی منجر شود که هر دو طرف می‌گویند می‌خواهند از آن اجتناب ورزند. این پویایی‌ها چالش پیچیده‌ای را برای سیاستگذاران

و کنگره آمریکا ایجاد می‌کند که مدت‌هاست نقش فعالی در شکل دادن به سیاست آمریکا در برابر ایران ایفا کرده‌اند.

۵. تحلیل و نتیجه

دیدگاه‌های بازها، کیبوترها و واقع‌گرایان در خصوص ایران، تفاوت زیادی با هم دارند. به نظر می‌رسد دیدگاه واقع‌گرایی بهتر می‌تواند تداوم راهبرد مهار در دوره بایدن را تبیین کند. برای نمونه واقع‌گرایان، گفته‌اند آنچه ایران انجام می‌دهد، شاخص بهتری از رفتار آینده ایران است تا آنچه ایران بیان می‌کند. بایدن نیز معتقد است باید به رفتار ایران در عرصه‌های مختلف واکنش نشان دهد، ولی بازها سیاست اعلامی ایران را اساس قرار می‌دهند. بازها دولت ایران را به‌عنوان دولت کنترل‌نشده‌ی توصیف می‌کنند که از طریق مقتضیات مطلق مذهب، و نه نگرانی‌های عملی کشورداری هدایت می‌شود. به قدرت رسیدن بایدن موجب شد از همان ابتدا پرسش‌های زیادی در زمینه رویکرد وی در برابر ایران مطرح شود. در این پژوهش تلاش شد به دو پرسش پاسخ داده شود: ۱. رویکرد بایدن در برابر ایران چه بوده است؟ ۲. آیا در دوره بایدن، عناصر مهار آمریکا تداوم پیدا کرده است یا خیر؟ بر اساس اسناد موجود و مواضع دولت بایدن استدلال شد که رویکرد بایدن در برابر ایران گفت‌وگو و مذاکره بوده و آن را بهترین شیوه برخورد با ایران برای احیای برجام تلقی کرده است. هرچند مذاکراتی برای احیای برجام در دوره بایدن انجام گرفت، ولی تنش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله جنگ اوکراین، جنگ غزه و مخالفت تندروهای داخلی آمریکا تا اکنون مانع احیای برجام شده است. همچنین در این مقاله استدلال شد حتی با احیای برجام نیز راهبرد مهار آمریکا در برابر ایران در دوره بایدن کنار گذاشته نمی‌شود، زیرا احیای برجام نیز یکی از عناصر راهبرد مهار آمریکا در برابر ایران محسوب می‌شود. بنابراین راهبرد مهار آمریکا در دوره بایدن در چارچوب سیاست چماق و هویج واقع‌گرایان که بایدن یکی از آنهاست، تداوم پیدا کرده است. در همه حوزه‌ها دولت بایدن قصد دارد بر اساس سیاست چماق و هویج هزینه‌های ایران را بالا ببرد. ارکان اصلی سیاست چماق، همان تهدید و تحریم است. برای مثال قطعنامه ۱۹۹۶ بارها از سوی دولت‌های مختلف آمریکا از جمله دولت بایدن تمدید شده است. ولی راهبرد مهار آمریکا در برابر ایران یک بخش دیگر، یعنی هویج نیز دارد و بر اساس آن درخواست اعتمادسازی و رفع مشکلات با ایران از طریق مذاکره را مطرح می‌کند. تحریم، اسلحه آمریکا در مقابل ایران است و به‌سادگی از آن دست برنمی‌دارد تا از طریق آن، ایران را مهار کند. طرح سیاست فشار حداکثری برای مهار ایران از دوره اوباما آغاز شد و ترامپ و بعد از او بایدن کارگزاران این راهبرد واحدند. بنابراین برجام دیگر تنها مربوط به موضوع هسته‌ای نیست، بلکه

بخشی از بسته بزرگ‌تر برای مهار ایران است. جمهوری خواهان طرفدار رویکرد بازها معتقدند با فشار حداکثری می‌توانند حکومت ایران یا حداقل رفتار آن را تغییر دهند، ولی دموکرات‌های طرفدار نظریه واقع‌گرایان معتقدند باید با راهبرد مهار، این کار را انجام داد. از این رو جو بایدن هوشمندانه عمل کرد و تلاش نمود با انتقاد از ترامپ، اعتماد دولت ایران را جلب کند. جو بایدن نیز به دنبال مهار ایران بوده است. شرط عادی‌سازی روابط آمریکا با ایران، اسرائیل نیز هست و این مسئله، سبب پیچیدگی دستیابی به توافق بین ایران و آمریکا در دوره بایدن و بعد از او می‌شود. در نتیجه به نظر می‌رسد در شرایط فعلی، حتی احیای برجام نیز به خاتمه راهبرد مهار و بهبود رابطه آمریکا و ایران در دوره بایدن کمک نمی‌کند، زیرا آمریکا مذاکره با ایران را نیز ابزاری برای مهار می‌داند. راهبرد مهار در کنار موفقیت‌ها، ناکامی‌هایی نیز داشته است. از آنجا که آمریکا پس از چهار دهه موفق به تغییر نظام سیاسی در ایران نشده است، به دنبال متوقف کردن گسترش قدرت ایران از طریق اجرای راهبرد مهار بوده است. این راهبرد در انزوای ایران تا حدودی مؤثر بوده، تلاش ایران برای توسعه ظرفیت‌های نظامی را کند کرده و رشد اقتصادی ایران را نیز محدود ساخته است. ولی این راهبرد نتوانسته است نظام ایران را تغییر دهد و مانع حمایت ایران از گستره وسیعی از گروه‌های آزادی‌بخش نشده است. افزون بر این، تهران به توسعه زرادخانه موشک‌های بالستیک و برنامه غنی‌سازی هسته‌ای خود ادامه داده و نفوذ خود را در منطقه گسترش می‌دهد. سیاست پیچیده آمریکا و ایران در زمینه برجام و همچنین روابط متشنج دو کشور در ماه‌های اخیر دشواری‌هایی برای احیای برجام ایجاد کرده است. حتی در صورت احیای برجام، هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که ایران در حوزه سیاست‌های منطقه‌ای و توسعه برنامه موشکی‌اش امتیازهایی به آمریکا بدهد.

۶. قدردانی

نویسنده لازم می‌داند مراتب تشکر و قدردانی خود را از داوران گرانقدر، سردبیر و مدیر اجرایی محترم و گرامی فصلنامه سیاست دانشگاه تهران در راستای به سرانجام رسیدن پژوهش حاضر ابراز دارد.

۷. بیانیه نبود تعارض منافع

نویسنده اعلام می‌کند که تعارض منافع وجود ندارد؛ و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را که شامل پرهیز از سرقت ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره می‌شوند، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

References

1. Bahga, Gawdat. (2010) "Iran and Terrorism: The Transatlantic Responses," <http://www.tandfonline.com/loi/uter20>, pp142-146
2. Bobkin, Nikolay. (2022) "President Biden and Iran: assessing the prospects for returning to the JCPOA Annotation", Doi:10.18254/S207054760020708-5
3. Bani-Sadr, Abul Hassan. (1991) *My Turn to Speak: Iran, the Revolution and Secret Deals with the US, United States*, Potomac Books References, <https://www.amazon.com/>
4. Biersmith, Eric Michael. (2007) "A neoliberal analysis of the United States relations with Iran and Sudan" <https://www.proquest.com/>
5. Bunn, Matthew. (2016) "The Next Steps in Nuclear Security," <https://scholar.harvard.edu>
6. Cornelius, Adebahr. (2017) "Sanctions against Iran," Doi: 10.4324/9781315513294-5
7. Carter, Jimmy. (1995) *Keeping Faith: Memoirs of a President*, United States, <https://www.amazon.com/>
8. CBS (22 May 2017) "Iranian President Calls U.S. Relations a 'Curvy Road'", <https://www.cbsnews.com>
9. Cheganizadeh, Gholamali and Mahmoudi, Hossein (2022) "Iran & U.S: From Containment to Strategic Deterrence (Bush Era)", *Strategic Policy Researches*, 11, 40:176-151, https://qpss.atu.ac.ir/article_13998_678c1d8a21234ab0b65a054c8c56c097.pdf [in Persian]
10. Cortellessa, Eric (2016) "Ya'alon Faults Obama for Going Easy on Abbas, Warns of Iran's Hegemony," *Times of Israel*, <https://www.timesofisrael.com>
11. Coates, Aaron. Daniel (2014) "U.S. Relationships with Iran, Israel, and Pakistan: A Realist Explanation", University of Southern Mississippi, <https://aquila.usm.edu/>
12. Dashiri, Mohammad Reza and Ghafouri, Mojtabi. (2014) "Strategic requirements of the Islamic Republic of Iran towards America's new Middle East policies," *Strategic and macro policies*, 3, 12, <https://ensani.ir/file/download/article/20160524144551-9886-83.pdf> [in Persian]
13. Dubowitz, Mark. (2016) "The Iran Nuclear Agreement: One Year Later," <https://www.foreign.senate.gov/>
14. Economist, (2016) "Iran's Nuclear Deal Becomes a Reality", <https://www.economist.com/>
15. Eisenstadt, Michael. (2006) "Living with a Nuclear Iran?" <https://doi.org/10.1080/00396339912331342953>
16. Fayazmanesh, Sasan. (2008) *The dual containment policy in the 1980s*, London, Routledge, file:///C:/Users/RayanMehr/
17. Frolov, Aleksandr. (2021) "The Biden Administration and the Iran Nuclear Deal" Doi:10.31857/S268667300015573-0
18. Gati, Charles. (2014) "What Containment Meant" ,*Foreign Policy*", <https://doi.org/10.2307/1147751>
19. Hadian, Nasser and Adeli, Issa (2023) "Transformation in the US Offshore Balancing and the Regional Rivalry between Iran and the

- GCC, 2001-2021” *Politics Quarterly*, https://jppq.ut.ac.ir/article_95408.html[in Persian]
20. Hashem, Ali Jabbar, and Riam Abdul-Sattar Abdul-Jabbar. (2022) " US Foreign Policy Toward Iran During Joe Biden Administration," *Journal of Positive School Psychology* 6, 9: 200-213,<https://journalppw.com/index.php/jpsp/article/download/12073/7>
 21. j Thies, Wallace. (2020), *Why Containment Works: Power, Proliferation, and Preventive War*, Ithaca, New York, Cornell University Press, <https://www.cornellpress.cornell.edu/book/>
 22. Krauthammer, Charles. (1993) "Iran:Orchestrator of Disorder," *Washington Post*, <https://www.washingtonpost.com/>
 23. Krauthammer, Charles (2012)"The 'Deterrence Works' Fantasy," *Washington Post*, <https://www.washingtonpost.com/>
 24. Karimifard, Hossein. (2016)" The impact of foreign military bases in America on international politics" *Politics Quarterly*, https://jppq.ut.ac.ir/article_59939.html [in Persian]
 25. Kroenig, Matthew. (2018) "The Return to the Pressure Track: The Trump Administration and the Iran Nuclear Deal" doi.org/10.1080/09592296.2017.1420529
 26. Knapp, Patrick. (2010),"The Gulf States in the Shadow of Iran,"*Middle East Quarterly*, <https://www.meforum.org/>
 27. Lindsay, James and Takeyh, Ray. (2010) "After Iran Gets the Bomb: Containment and Its Complications,"*Foreign Affairs* 22, <https://www.jstor.org/>
 28. Myers, H.L. (1997). "The US policyof dual containment toward Iran and Iraq in theory and practice",<https://www.amazon.in/>
 29. Mesbahi, Mohiaddin. (2013)" Trust and U.S.-Iran Relations: Between the Prisoners' Dilemma and the Assurance Game," *Iranian Review of Foreign Affairs* file:///C:/Users/RayanMehr/
 30. Mousavian, Seyed Hossein and Mahmoudieh, Younes(2021) "Evolution of the Biden administration's approach to Iran nuclear deal and prospects for regional peace," [Doi: 10.20542/2307-1494-2021-2-129-138](https://doi.org/10.20542/2307-1494-2021-2-129-138)
 31. Naqdi, Farzaneh; Eslami, Mohsen. (2015) "Sanction tool and America's foreign policy towards Iran", *Foreign Relations Quarterly*, 8, 4, 32, https://frqjournal.csr.ir/article_123719_909980f6bb30ed6e2862976e0e6986f.pdf[in Persian]
 32. Nasr, Vali and Takeyh, Ray. (2008) "The Costs of Containing Iran," *Foreign Affairs*, <https://www.jstor.org/stable/20020269>
 33. Nader, Alireza. (2015) "The Impact of Sanctions Relief on Iran," [Doi: 10.7249/ct442](https://doi.org/10.7249/ct442)
 34. Nasr, Vali. (2018) "Iran Among the Ruins: Tehran's Advantage in a Turbulent Middle East," *Foreign Affairs*, 97,2, <https://www.jstor.org/stable/44822085>
 35. Nasr, Vali. (2022) "All against all: The Sectarian Resurgence in the Post-American Middle East," *Foreign Affairs*, <https://www.foreignaffairs.com/articles/middleeast/2021-12-02/iran-middle-east-all-against-al>
 36. Pollack, Kenneth M. (2020) "Containing Iran", <https://iranprimer.usip.org>

37. Phares, Walid. (2022) "Iran: An Imperialist Republic and U.S. Policy Paperback", <https://www.amazon.com>
38. Russell, Richard. (2004) "Iran in Iraq's Shadow: Dealing with Tehran's Nuclear Weapons Bid," Parameters, <https://apps.dtic.mil/>
39. Radfar, Firoozeh and Dehghani Firooz Abadi, Sayyed Jalal. (2020) "Biden's Foreign Policy towards the Islamic Republic of Iran" Strategic Studies Quarterly, 23, 90, 25, https://quarterly.risstudies.org/article_130721_32c03df54899a09351 [in Persian]
40. The White House, President George W. Bush. (2002, January 29) "President Deliver State of the Union Address, January 20, 2002," National Security Archive, <https://nsarchive.gwu.edu/document/280>
41. Tang, Jiahua & Pan, Rui. (2022) "Adjustments and Constraints: Biden Administration's Iran Policy", <https://doi.org/10.1080/25765949.2022.2078601>
42. X" [George F. Kennan]. (1947, July 1) "The Sources of Soviet Conduct," Foreign Affairs, https://www.cvce.eu/en/obj/the_sources_of_soviet
43. Zakerian, Mehdi and Eskandari Zanjani, Manizheh. (2021) "The U.S. Reinterpretation of the Use of Force under Hegemonic International Law" Politics Quarterly, [/https://jpq.ut.ac.ir/article_83356_a39e5304f24c12d2add](https://jpq.ut.ac.ir/article_83356_a39e5304f24c12d2add) [in Persian]

) International (CC BY 4.0)

<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

